

بررسی تغییرات مسکن روستایی استان مازندران

زینب فضلعلی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس
مهدی پورطاهری- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تربیت مدرس
عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تربیت مدرس

تأیید نهایی: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۷/۲۴

چکیده

مسکن روستایی، مفهومی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی است. کارکرد مسکن علاوه بر سرپناه، فراهم کردن شرایط مطلوب برای تحقق فعالیت‌های خانوادگی است. مسکن روستایی به‌عنوان عنصری مادی و فرهنگی، در سال‌های اخیر تغییرات وسیعی داشته است. این عنصر فرهنگی علاوه بر نقش سکونت، بخشی از فضای اشتغال، تولید و انبار ملزومات زندگی نیز به‌شمار می‌آید. در دهه‌های اخیر، تغییرات شگرفی در ساختار و کارکرد مسکن روستایی پدید آمده است؛ به طوری که کارکرد مسکن که در ارتباط با معیشت و فعالیت اقتصادی خانواده بوده، از بین رفته است و پاسخگوی نیاز جامعه روستایی نیست. این پژوهش با توجه به هدف، توصیفی-تحلیلی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات میدانی، از روش‌های آماری استفاده شد. جمع‌آوری اطلاعات پژوهش با استفاده از پرسشنامه صورت گرفت و جامعه آماری، جمعیت روستایی استان مازندران در سه تپ جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی است. حجم نمونه با فرمول کوکران ۴۶۵ نفر تعیین شد. نتایج نشان می‌دهد در نتیجه تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی، تغییراتی در مسکن روستایی از جمله تغییر در فضای اختصاصی دام، انبار علوفه، محل پخت نان، محل ذخیره سوخت‌های فسیلی، فضای آشپزخانه، آشپزخانه این، فضای اختصاصی خواب و پذیرایی و ایوان به‌وجود آمده است. این تغییرات به دنبال توسعه کالبدی و خدماتی روستاها و تحت تأثیر فرهنگ شهری در روستاها به وقوع پیوسته و در نهایت به تغییر کارکرد اقتصادی و اجتماعی مسکن منجر شده است.

واژه‌های کلیدی: تغییرات مسکن، روستا، مازندران، مسکن.

مقدمه

یکی از مسائل مهم، توسعه پایدار همگام با توسعه انسانی است. در این توسعه، استفاده بهینه از منابع بدون تباهی آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. یکی از مؤلفه‌های توسعه انسانی، تأمین مسکن مناسب بدون تخریب منابع طبیعی است. برنامه‌ریزی توسعه مسکن باید به صورتی باشد که در آن، علاوه بر تأمین مسکن، به متغیرهای اصلی بوم‌شناسی نیز توجه شود. برای دستیابی به چنین برنامه‌ای باید از ابعاد و تعداد عوامل مؤثر در ایجاد مسکن، شناخت کافی به دست آورد و متقاضیان مسکن و ابعاد تقاضای آن‌ها را مطالعه کرد. مسئله احتیاج به مسکن، به دلیل وضعیت خاص هر جامعه در جوامع مختلف متفاوت است و با خصوصیات فردی، موقعیت‌های اجتماعی، شرایط ایدئولوژیک و وضعیت اجتماعی-اقتصادی تغییر می‌کند. به همین نسبت، موقعیت مسکن با توجه به وضعیت فیزیکی هر محیط و امکانات فنی و اقتصادی دگرگون می‌شود که این دگرگونی‌ها باید شناخته شوند و به آن‌ها توجه شود (شکوئی، ۱۳۵۵: ۱۴).

همچنین مسکن نقش مهمی در ثبات خانواده، رشد اجتماعی و اقتصادی، افزایش ضریب ایمنی افراد، ارتقای فرهنگی و آرامش روحی اعضای خانواده دارد و بر کل سیستم جامعه نیز اثر می‌گذارد (آسایش، ۱۳۷۵: ۶۷).

روستاییان با توجه به ماهیت روستا و متناسب با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و محیط جغرافیایی‌شان، ساماندهی درونی و کالبدی خاصی در زمینه نوع سکونت و شیوه‌های متفاوتی در نوع معیشت و زندگی دارند. بدین ترتیب، روستاها همگام با ضرورت‌های تاریخی و نیاز ساکنان، در مدت‌های کم‌وبیش طولانی، رشد و تحول یافته‌اند (همان: ۴۱). همچنین محیط روستا، محیطی یکدست با معماری چشم‌انداز و همسان با محیط است، اما امروزه تغییراتی در مسکن و این محیط رخ داده است که یا ناشی از ساخت‌وسازهای جدید است یا حاصل بهسازی و نوسازی روستاها (قاسمی اردهایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۸). در دهه‌های اخیر، به دلیل تغییر در ساختار و کارکرد مسکن روستایی، کارکرد و نقش مسکن که در ارتباط با معیشت و فعالیت اقتصادی خانواده است، از بین رفته است و دیگر پاسخگوی نیاز جامعه روستایی نیست. علاوه بر این، در گذشته هزینه ساخت مسکن بسیار اندک بود و با اینکه نقشه، معماری و مصالح آن از روستا تأمین می‌شد، مسکن روستایی به خوبی پاسخگوی نیاز روستاییان و نوع فعالیت آن‌ها بود (موسوی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۸).

ساختار مسکن‌های سنتی روستایی، از یک سو از اقلیم و شرایط محیط طبیعی تأثیر می‌پذیرد و از سوی دیگر، با الگوی معیشت خانواده‌ها ارتباط دارد. عمدتاً خانوارهای روستایی، در ساخت مسکن از امکانات محیط و مواد و مصالحی استفاده می‌کنند که طبیعت در اختیار آنان می‌گذارد، اما در سال‌های اخیر، تغییرات و دگرگونی‌های زیادی در وضع مسکن روستایی پدید آمده است. به دنبال بهبود نسبی وضع اقتصادی خانواده‌ها در نتیجه افزایش قیمت محصولات کشاورزی، همچنین به دست آوردن درآمدهای غیرکشاورزی، به تدریج نوسازی در روستا آغاز شد و بسیاری از خانواده‌های روستایی در واحدهای مسکونی خود تغییراتی ایجاد کردند. پس از انقلاب، به دلیل مهاجرت و رفت‌وآمد به شهرها، توجه روستاییان به وضع سکونت خود افزایش یافت. به دنبال این بحران، کمبود مسکن چه از نظر کیفی و چه از لحاظ کمی در روستا احساس شد و خانواده‌های روستایی، خانه‌های جدیدی ساختند. وجود خانه‌های نوساز آجری با پوشش ورقه‌های آهن، آسفالت و موزاییک در کنار اتاق‌های گلی و کاه‌گلی و احداث خانه‌های ویلایی به سبک خانه‌های شهری، نمونه‌ای از این تغییرات است (زندیه و حصاری، ۱۳۹۱: ۶۴)؛ از این رو در این پژوهش به بررسی تغییرات ایجاد شده در مسکن روستایی استان مازندران می‌پردازیم. پرسش پژوهش این است که آیا این تغییرات، با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی روستاها تناسبی دارد یا خیر.

مبانی نظری

مسکن، واحد تسهیلاتی فیزیکی، کالایی اقتصادی و بادوام، عنصری با نقش اجتماعی یا جمعی، مجموعه‌ای از خدمات و

نیز مقوله‌ای اقتصادی است که جزئی از ذخیره سرمایه‌های ثابت، وسیله تولید ثروت و ابزار دولت‌ها در تنظیم رشد اقتصادی به‌شمار می‌آید (بورن، ۱۹۸۱: ۱۴). مسکن روستایی مفهومی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی است که برای فراهم کردن شرایط مناسب زندگی و معیشت برپا شده است. پیدایش و شکل‌گیری روستاها و مسکن در ایران قدمت زیادی دارد و ریشه‌های آن را باید در جغرافیای ایران و نظام اجتماعی-اقتصادی کشور جست‌وجو کرد (مه‌دی‌ان و سرتیپی‌پور، ۱۳۹۱: ۵). مسکن که از فاکتورهای بسیار مهم در زمینه سلامت زیست افراد است، نخستین واحد جامعه و مهم‌ترین بخش سکونت انسان‌هاست (رانگوالا، ۱۹۸۸: ۶۲). در عین حال، مسکن عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد، و کالایی عمده و تعیین‌کننده در سازمان اجتماعی فضا است که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد (شورت، ۲۰۰۶: ۱۹۹). در این میان، عوامل اقتصادی، سبک معماری، زبان بومی منطقه، گرایش‌های سبک‌شناختی، آب‌وهوا، جغرافیا و آداب و سنن محلی، در توسعه و طراحی مسکن در مکان‌های مختلف تأثیرگذارند (سندیچ، ۲۰۰۶: ۱۸۵). کارکرد اصلی مسکن، علاوه بر سرپناه، فراهم کردن شرایط مطلوب برای خانواده برای تحقق فعالیت‌های خانوادگی است (هدایت‌نژاد، ۱۳۷۵: ۵۶۳). مسکن علاوه بر سرپناه‌بودن، مکانی است که خدمات و تأسیسات اجتماعی و تسهیلات ضروری متعددی برای بهتر زندگی کردن خانواده و افراد فراهم می‌کند و ساختاری فیزیکی نیز به‌شمار می‌آید. به عبارت دیگر، بخشی از خدمات و تسهیلات عمومی لازم مسکن برای بهتر زندگی کردن انسان، با مشخصات فیزیکی مسکن ارتباط دارد (وستاوی، ۲۰۰۶: ۱۸۷).

ساختارهای معماری محیط‌های روستایی، برآیند مهم فعالیت انسان است که در طول قرن‌ها، مطابق با شرایط اجتماعی، فرهنگی و محیطی شکل گرفته‌اند و تحول یافته‌اند؛ به طوری که مورفولوژی و الگوهای فضایی معماری روستا، به تدریج در راستای برآورد نیازهای اجتماعی-فرهنگی ساکنان (پاسخگویی به نیاز سکونت، تأمین امنیت، حریم خانوار و نظام تولیدی) و در تعامل با محیط فیزیکی اطراف، ایجاد شده است. چنین تفکری به‌ویژه زمانی که آن را در چارچوب روابط دوجانبه محیط طبیعی و در بستر تاریخی‌اش مدنظر قرار دهیم، محیط انسان‌ساخت را به‌عنوان ظرف معنی‌تیین و تعریف می‌کند؛ زیرا انسان زمانی به ساکن شدن تمایل دارد که بتواند با محیط پرمعنایی مواجه شود (نوربرگز و شولتز، ۱۹۸۰). مسکن به‌معنای عام کلمه، تجسم فضایی آرمان‌ها، ایده‌ها و عملکردهای انسانی و متأثر از عوامل بازدارنده اقتصادی-اجتماعی و موانع فیزیکی است. در این زمینه، به رویکردهای تأثیرگذار در ساخت مسکن روستایی به شرح زیر اشاره می‌شود.

الف) رویکرد محیطی

جبر محیطی نظریه‌ای است که در آن، فعالیت‌های انسانی به‌ویژه کاربرد منابع فرهنگی و سازمان اجتماعی، با عوامل محیط طبیعی، محدود یا کنترل می‌شود (شکوئی، ۱۳۸۹: ۲۳۴). اصولاً عامل آب‌وهوا، در بنیان‌های عوامل سازنده محیط‌های جغرافیایی تأثیری مستقیم دارد؛ به طوری که در تشکیل انواع خاک، پوشش گیاهی و جریان آب‌ها، همچنین ساخت پاره‌ای از چهره‌های طبیعی زمین، نظیر اشکال ناهمواری‌ها و سواحل مؤثر است (همان: ۲۵۰). براین‌اساس، کسانی که با این رویکرد، به مطالعات جغرافیای انسانی می‌پردازند، به‌طور گسترده‌ای نقش مسلط و جبری آب‌وهوا، همچنین شرایط اقلیمی و مواد اولیه‌ای را که در محل وجود دارد، در پیدایش سکونتگاه‌ها می‌پذیرند و بر آن تأکید دارند.

ب) رویکرد فرهنگی-اجتماعی

در مقابل مکتب جبر جغرافیایی، عده‌ای از جغرافی‌دانان، فرهنگ انسانی را عامل تعیین‌کننده در فعالیت‌های انسانی می‌دانند و معتقدند چهره‌های جغرافیایی مکان‌ها، انعکاسی از پایگاه‌های فرهنگی است. طرفداران این مکتب، عملکرد شرایط طبیعی را در مکان‌های جغرافیایی، عاملی فرعی به حساب می‌آورند و از نظر آن‌ها، عوامل یکسان و یکنواخت طبیعی، در کانون‌های مختلف

فرهنگی به اشکال گوناگون تجلی می‌کند (همان: ۱۸۰). فرهنگ‌ها اعم از مادی و غیرمادی، با گذشت زمان در حال تغییر و دگرگونی‌اند و به تناسب این دگرگونی، نظم جدیدی می‌یابند. با توجه به بررسی‌های انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی، عوامل مختلفی مانند اختراعات، اکتشافات، نوآوری‌ها، افزایش جمعیت، تحولات اکولوژیکی، جنگ‌ها و تماس فرهنگ‌ها در تغییرات فرهنگی دخالت دارند. این تغییرات نیز بر بافت کالبدی مسکن روستایی و شهری به شدت تأثیر گذاشته و آن را در مدت کوتاهی دستخوش دگرگونی کرده است (امان‌اللهی، ۱۳۶۲: ۱۰۳).

به این ترتیب، مسکن نیز به‌عنوان بخشی از فرهنگ غیرمادی، از این تحولات دور نیست. یکی از عوامل تغییرات فرهنگی در جامعه، محصولات فرهنگی به‌ویژه وسایل ارتباط جمعی است که به تغییر الگوی رفتاری جامعه منجر می‌شود. در میان عوامل رسانه‌ای، نوع رسانه و قابلیت فراگیری آن و در میان عوامل غیررسانه‌ای، سیاست‌های دولت نقش بسزایی در جهت‌دهی علایق و سلاقی جامعه برعهده دارند. نقش رسانه‌های مکتوب و الکترونیکی در فرایند انتقال فرهنگ به‌ویژه در مناطق روستایی به‌سرعت در حال افزایش است و از این میان، رسانه‌های الکترونیکی مانند رادیو و تلویزیون نقش بسیار حساس‌تری ایفا می‌کنند. در سال‌های اخیر، جوامع روستایی کشور شدیدترین تغییرات اجتماعی را داشته‌اند که توزیع جغرافیایی محصولات فرهنگی، در ایجاد آن‌ها بسیار مؤثر بوده است (پورطاهری، ۱۳۸۲: ۸۸).

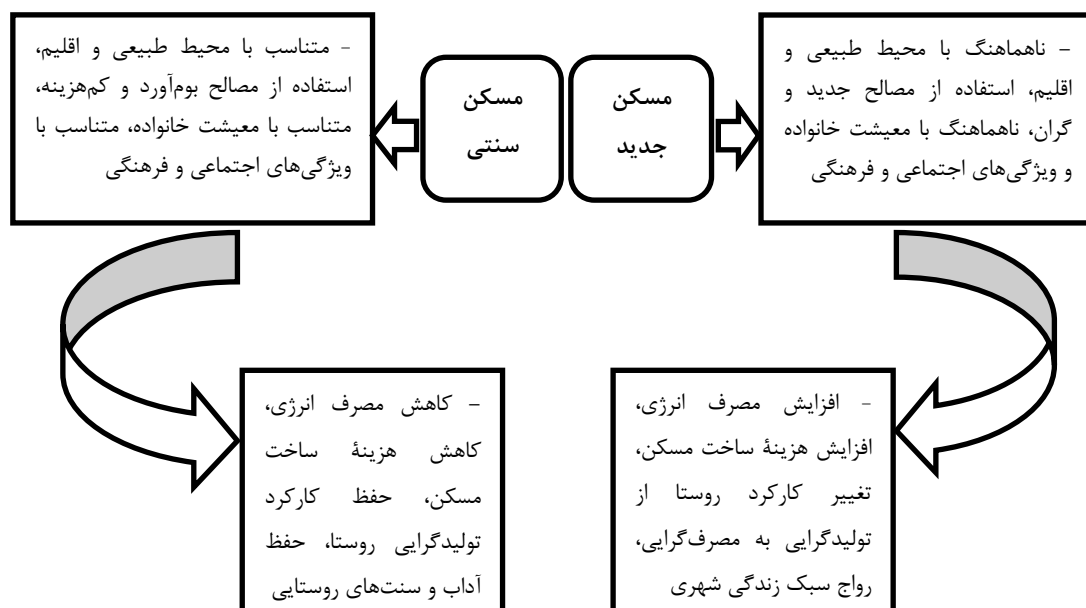
باید توجه داشت که انسجام کالبدی سکونتگاه‌های انسانی، به تبع انتظام اجتماعی شکل می‌گیرد و در آن، ساختار محله، جزء محله و واحد مسکونی، از ویژگی‌های ساختاری جامعه تبعیت می‌کند (نورنبرگ شولتز، ۱۳۸۷: ۵۳۶). در این میان، فرایندهای فرهنگی مختلف، بر سطوح متفاوت مکان و محیط مسکونی تأثیرگذارند. تکامل فرهنگ‌ها در ارزیابی تاریخی به‌وقوع می‌پیوندد که به‌عنوان یکی از نتایج انتقال تجربه از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد. الگوی ساخت مسکن، مطابق با فرایندهای فرهنگی به‌طور فیزیکی تغییر می‌کند. این تغییر فیزیکی، به دگرگونی استفاده از مکان، الگوی مسکن و محیط آن منجر می‌شود. فرایند تغییرات فرهنگی، بر انواع مکان و الگوهای مسکن در یک زمان و مکان محدود تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب، تغییرات فرهنگی مستمر، محیط فیزیکی را تغییر می‌دهد و الگوی مسکن را نیز به دلیل سبک‌ها و آداب مختلف زندگی متمایز می‌کند (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

ج) رویکرد اقتصادی

امروزه مسکن نیازی اساسی برای خانوارهاست که به‌عنوان کالایی اقتصادی به آن نگریسته می‌شود. در رویکرد اقتصادی، اقتصاد در شکل‌دهی سکونتگاه‌های سنتی و بومی، نقشی تعیین‌کننده دارد. این عامل عمدتاً به چگونگی تولید و توزیع ثروت، همچنین توزیع محصولات و رابطه آن با ساخت کالبدی مسکن روستایی مربوط است. براین اساس، با افزایش تولید مازاد بر نیاز، بخشی از سرمایه به‌صورت ثروت درمی‌آید و در خدمت رفاه قرار می‌گیرد. آثار آن نیز به‌صورت قطعی و تعیین‌کننده، روی شکل کلی مسکن که یکی از بارزترین نمادهای انسانی است، ظاهر می‌شود. از میان عوامل اقتصادی، نوع معیشت و الگوی بهره‌برداری از محیط طبیعی به‌همراه میزان درآمد خانوارهای روستایی، به‌نحو بسیار مؤثری توانسته است بر شکل و کاربری مسکن روستایی تأثیرگذار باشد.

باید توجه داشت که مسکن یکی از مهم‌ترین عناصر تعیین کیفیت زندگی است.

معماری واحدهای مسکونی و سایر فضاهای فعالیتی در روستاها و مصالح ساختمانی، از شرایط محیطی محلی و آگاهی جامعه روستایی تأثیر می‌پذیرد. آشنایی جامعه روستایی با الگوهای معماری جدید در شهرها و گسترش علایق مبتنی بر فرهنگ زندگی شهری در روستاها، الگوی معماری روستایی را از شکل بومی خارج می‌کند (موسوی و صالحی، ۱۳۸۴). همچنین ورود فناوری مدرن، تغییر ساختار تولیدی، شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی و شاخص‌های فرهنگی، تحولات گسترده‌ای در الگوی مسکن روستایی ایجاد کرده است (مرادی، ۱۳۹۴: ۳۸۳).



شکل ۱. پیامدهای تبدیل الگوی مسکن سنتی به الگوی جدید

منبع: رمضان‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴

رمضان‌نژاد و دیگران (۱۳۹۴) ضرورت توجه به اصول مسکن پایدار را در ساخت مسکن روستایی تبیین کردند. از دیدگاه آن‌ها، به دلیل شرایط ناپایدار کنونی سکونتگاه‌های روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، توجه به اصول مسکن پایدار مانند سبزبودن، مقرون‌به‌صرفه‌بودن، صرفه‌جویی در انرژی، همسویی با چشم‌انداز طبیعی، کاهش هزینه ساخت مسکن، کاهش هزینه‌های سرمایشی و گرمایشی مسکن، حفظ محیط‌زیست از طریق همسویی با چشم‌انداز طبیعی و... گامی در جهت تحقق توسعه پایدار در روستاهاست.

خاکپور و شیخ‌مهدی (۱۳۹۰)، تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی را بر مسکن روستایی گیلان بررسی کردند و دریافتند که موقعیت قرارگیری انبارها، حیوانات اهلی و تمامی اجزای واحد مسکونی، از فرهنگ تأثیر می‌پذیرد. استفاده از الگوی معماری غیربومی که برگرفته از الگوهای معماری شهری است، نوعی تمایل به متمایز کردن خود از دیگران، تجددگرایی و موقعیت اجتماعی تازه‌دست‌یافته را نشان می‌دهد.

سعیدی و امینی (۱۳۸۹)، به بررسی ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی در روستای خفر، ناحیه نطنز-بادرود پرداختند و دریافتند که روند دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی و تحرک و جابه‌جایی روزافزون گروه‌های انسانی، به روندهای پایداری و ناپایداری، و دگرگونی‌های کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی منجر شده است. در این زمینه، جابه‌جایی روستایی-شهری و رهاماندن برخی واحدها در روستاها، تحول کارکردی را در بهره‌گیری از فضاهای درونی خانه‌ها به‌وجود آورده است.

توکلی و دیگران (۱۳۸۸) به بررسی تحول معماری مسکن روستایی و تدوین الگوی بهینه در شهرستان آق‌قلا پرداختند و نتیجه گرفتند که امروزه خانه‌های احداث‌شده در روستاها، در مقایسه با گذشته تحولات کارکردی عمیقی داشته است. مسکن‌های سنتی و بومی منطبق با محیط طبیعی نیز از بین رفته‌اند و جای خود را به مسکن‌هایی با طرح و نقشه‌های جامعه شهری داده‌اند. افزون بر این، وجود ایوان در خانه‌های جدید کم‌رنگ شده و این خانه‌ها در مقابل خانه‌های تخریب‌شده و سنتی قرار گرفته‌اند. در این میان، فعالیت‌های عمرانی دولت و ارائه امکانات، به این عامل دامن زده است. استفاده گسترده از امکانات جدید، چنین تحولی را نشان می‌دهد. باید توجه داشت که به‌منظور جلوگیری از برهم‌زدن بافت، الگو و جنبه‌های زیبایی‌شناسانه روستا به‌وسیله ناهمگونی‌ها و ناهنجاری‌ها، لازم است الگویی مطابق با

محیط و فرهنگ روستاییان جایگزین شود. رواج فرهنگ مصرفی، تغییر نیازهای اجتماعی و وابستگی به تولیدات دیگر مناطق، از پیامدهای این تغییرات است.

خسرونی (۱۳۸۸) در ارزیابی رویکردهای مختلف درباره شکل‌گیری مسکن روستایی، به بیان دلایل تنوع در مسکن روستایی پرداخت و با پیگیری این موضوع، پیامدهای محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن را بررسی کرد. وی با تقسیم‌بندی رویکردهای مهم در شکل‌گیری و تحولات مسکن، آن‌ها را در دیدگاه‌هایی مانند جبر محیطی و فرهنگی، جبر اقتصادی و دیدگاه تلفیقی (مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها) تفکیک و تشریح کرد.

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف، توصیفی-تحلیلی است. در بخش توصیفی، برای تحلیل تغییرات مسکن روستایی، از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده و روش‌های آماری نیز برای تجزیه و تحلیل اطلاعات میدانی به کار رفته است. همچنین اطلاعات در این مقاله با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده و پرسش‌ها نیز به دو صورت بیان شده است: برخی از طریق لیکرت سه‌طیفی (مناسب، تا حدودی مناسب، نامناسب) و برخی دیگر به صورت دو گزینه بله و خیر. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی از جمله شاخص‌های مرکزیت (فراوانی و درصد) در نرم‌افزار SPSS استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، جمعیت روستایی استان مازندران است. برای انتخاب روستاها، ابتدا در محیط GIS از طریق DEM، نقشه توپوگرافی مازندران ترسیم شد و روستاهای این استان به سه دسته روستاهای جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی تقسیم شدند. ۳۱ روستا (جلگه‌ای: ۷، کوهپایه‌ای: ۱۲، کوهستانی: ۱۲) با جمعیت کل ۴۳۷۷ نفر انتخاب شدند (شکل ۲). حجم نمونه پژوهش با استفاده از فرمول کوکران، ۴۶۵ نفر تعیین شد و خانوارهای روستایی در هر روستا ۱۵ پرسشنامه را تکمیل کردند (جدول ۱).

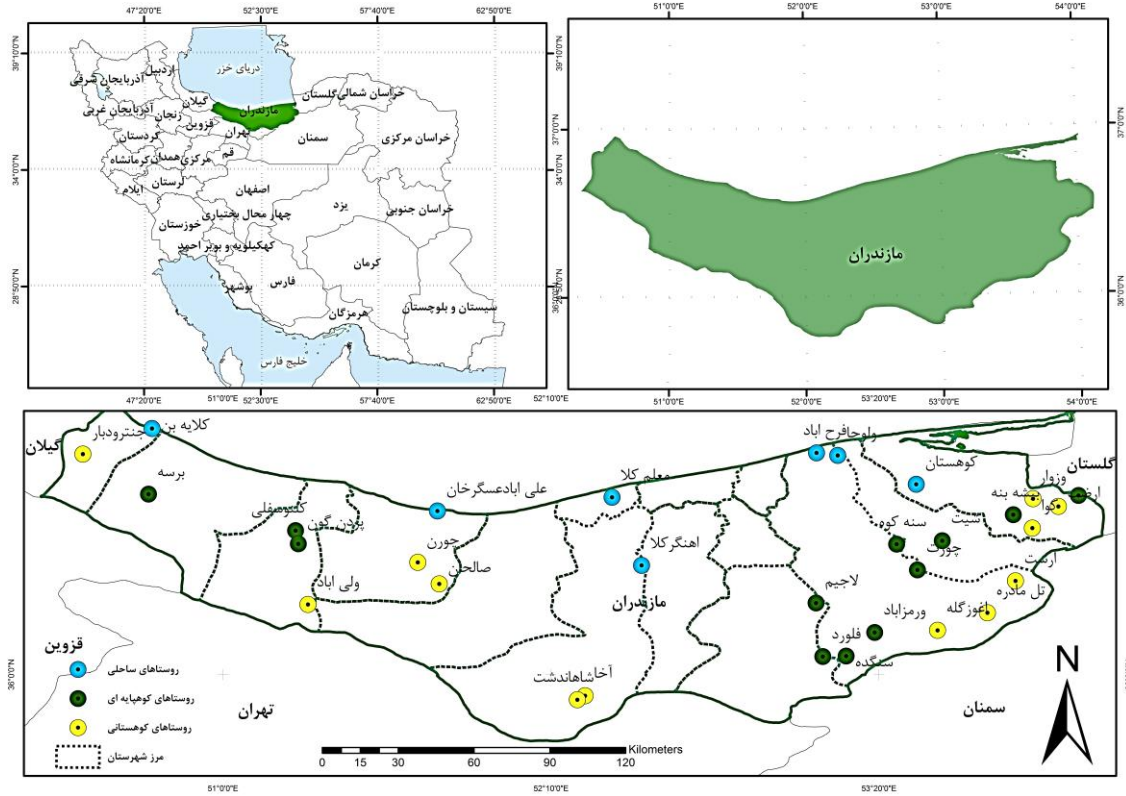
جدول ۱. روستاهای مورد مطالعه

جمعیت	دهستان	نام روستا	تپ روستا	جمعیت	دهستان	نام روستا	تپ روستا
۱۷۸۶	بیرون بشم	کلنوسفلی		۱۱۵	بالالاریجان	آخا	
۱۷۲	فریم	ورمزآباد		۲۶۱	زانوس رستاق	چورن	
۱۰۱۵	بیرون بشم	پردن‌گون		۴۶	بالالاریجان	شاهان‌دشت	
۱۱۴۶	بنافت	سنگده		۱۱۳	چهاردانگه	اغوزگله	
۷۷۸	کسلین	لاجیم		۴۷۰	توابعکچور	صالحان	
۴۲۲	راستویی	فلورد	کوهپایه‌ای	۲۹۰	توسکاچشمه	وزوار	کوهستانی
۱۱۷۵	گرماب	چورت		۲۳۲	پشت کوه	تل مادره	
۳۵۳	دو هزار	برسه		۱۳۰	جنتروبار	جنتروبار	
۴۳۲	عشرستاق	بیشه‌بنه		۲۶۹	شهدا	ارضت	
۱۳۰۷	استخرپشت	شیت		۵۵۵	پشت کوه	ارست	
۱۱۳	کوه‌دشت غربی	سنه کوه		۲۷۴	کوهستان	ولی‌آباد	
۷۰	توسکا چشمه	بارکلا		۱۳۲	عشرستاق	کوا	
۱۸۱۳	گهربارانشمالی	ولوجا		۱۶۷۲	کوهستان	کوهستان	
۱۶۲۷	بلده کجور	علی‌آباد عسگرخان	جلگه‌ای	۱۳۵۲	چهل شهید	کلایه‌بن	
۲۰۲۷	رودپی شمالی	فرح‌آباد		۱۷۵۸	دشت سر	آهنگرکلا	
				۲۶۲۶	هرازی شمالی	معلم کلا	

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵؛ سالنامه آماری مازندران، ۱۳۹۳

منطقه مورد مطالعه، بین ۳۵ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. جمعیت آن ۳،۰۷۳،۹۴۳ نفر (حدود ۴/۹ درصد از جمعیت

کشور) و مساحتش ۲۳،۸۴۱ هزار کیلومترمربع (۱/۴۶ درصد مساحت کشور) است. این منطقه شامل ۲۲ شهرستان، ۵۶ بخش، ۵۸ شهر، ۱۳۱ دهستان و ۳۶۳۴ آبادی می‌شود (سالنامه آماری مازندران، ۱۳۹۳).



شکل ۲. پراکنندگی جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

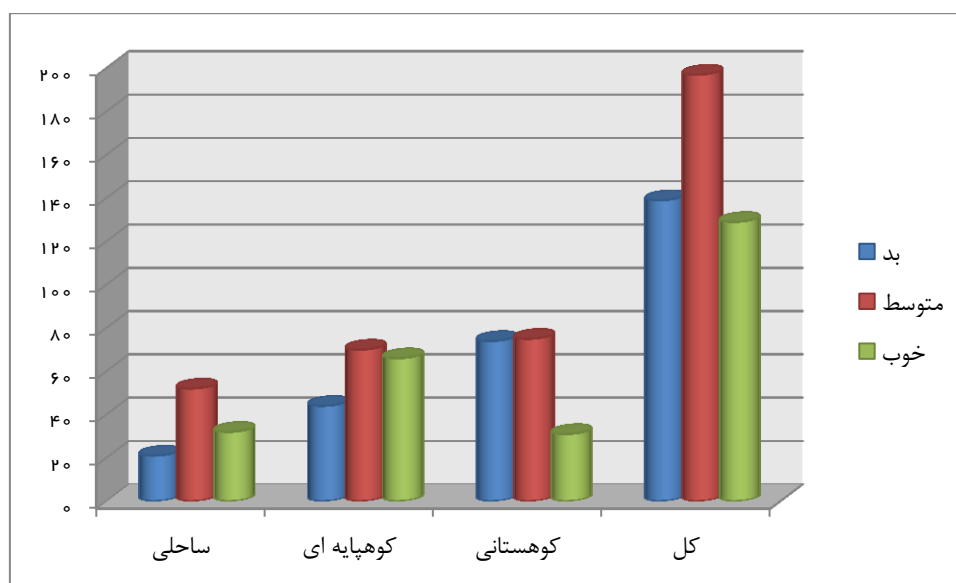
جدول ۲. نتایج ارزیابی وضعیت مسکن روستاییان

تیب روستا	وضعیت	فراوانی	درصد
	بد	۲۱	۲۰
جلگه‌ای	متوسط	۵۲	۴۹/۵
	خوب	۳۲	۳۰/۵
	بد	۴۴	۲۴/۴
کوهپایه‌ای	متوسط	۷۰	۳۸/۹
	خوب	۶۶	۳۶/۷
	بد	۷۴	۴۱/۱
کوهستانی	متوسط	۷۵	۴۱/۷
	خوب	۳۱	۱۷/۲
	بد	۱۳۹	۲۹/۹
کل	متوسط	۱۹۷	۲۴/۴
	خوب	۱۲۹	۲۷/۷

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

بحث و یافته‌ها

براساس جدول ۲، در روستاهای جلگه‌ای، از مجموع ۱۰۷ پاسخگو در ۷ روستای مورد مطالعه در این تیپ، ۳۰/۵ درصد وضعیت مسکن خود را خوب، ۴۹/۵ درصد متوسط و ۲۰ درصد بد ارزیابی کردند. در روستاهای کوهپایه‌ای، از مجموع ۱۸۰ پاسخگو در ۱۲ روستا، ۳۶/۷ درصد وضعیت مسکن خود را خوب، ۳۸/۹ درصد متوسط و ۲۴/۴ درصد بد می‌دانند. در روستاهای کوهستانی، از مجموع ۱۸۰ پاسخگو در ۱۲ روستا، ۱۷/۲ درصد وضعیت مسکن خود را خوب، ۴۱/۷ درصد متوسط و ۴۱/۷ درصد بد ارزیابی کردند. در مجموع، از ۴۶۵ پاسخگو در ۳۱ روستای مورد مطالعه، ۲۷/۷ درصد وضعیت مسکن خود را خوب، ۴۲/۴ درصد متوسط و ۲۹/۹ درصد بد می‌دانستند.



شکل ۳. ارزیابی وضعیت واحد مسکونی روستاییان
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

براساس دیدگاه ۱۰۵ پاسخگو در روستاهای جلگه‌ای، فراوانی وجود فضاهای زیر در مسکن روستایی در گذشته و حال به شرح زیر است:

گذشته: فضای اختصاصی دام با فراوانی ۹۵ و درصد ۹۰/۵، انبار علوفه با فراوانی ۸۵ و درصد ۸۱، فضای مستقل آشپزخانه با فراوانی ۹۳ و درصد ۸۸/۶، فضای اختصاصی خواب با فراوانی و درصد صفر، فضای جداگانه پذیرایی با فراوانی ۹ و درصد ۸/۵۷، محل پخت نان با فراوانی ۹۹ و درصد ۹۴/۳، محل ذخیره سوخت (نفت و...) با فراوانی ۹۳ و درصد ۸۸/۶، ایوان (رابط بین فضای باز و بسته) با فراوانی ۹۶ و درصد ۹۱/۴.

حال: فضای اختصاصی دام با فراوانی ۳۵ و درصد ۳۳، انبار علوفه با فراوانی ۳۳ و درصد ۳۱، فضای مستقل آشپزخانه با فراوانی ۲۵ و درصد ۲۴، آشپزخانه این با فراوانی ۹۹ و درصد ۹۴/۲۸، فضای اختصاصی خواب با فراوانی ۸۱ و درصد ۷۷، فضای جداگانه پذیرایی با فراوانی ۸۹ و درصد ۸۵، محل پخت نان با فراوانی ۲ و درصد ۱/۹، محل ذخیره سوخت (نفت و...) با فراوانی و درصد صفر، ایوان (رابط بین فضای باز و بسته) با فراوانی ۷ و درصد ۶/۷.

جدول ۳. وضعیت گذشته و حال مسکن روستاهای جلگه‌ای

مؤلفه	گذشته		حال	
	وجود	نبود	وجود	نبود
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
فضای اختصاصی دام	۹۵	۱۰	۳۵	۷۰
انبار علوفه	۸۵	۲۰	۳۳	۷۰
فضای مستقل آشپزخانه	۹۳	۱۲	۲۵	۸۰
آشپزخانهٔ این	۰	۱۰۵	۹۹	۶
فضای اختصاصی خواب	۶	۹۹	۸۱	۲۴
فضای جداگانه پذیرایی	۹	۹۶	۸۹	۱۶
محل پخت نان	۹۹	۶	۲	۱۰۳
محل ذخیره سوخت‌های فسیلی (نفت و ...)	۹۳	۱۲	۰	۰
ایوان (رابط بین فضای باز و بسته)	۹۶	۹	۷	۹۸

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

جدول ۴ تغییرات مسکن را در روستاهای کوهپایه‌ای نشان می‌دهد. براین اساس، فراوانی وجود فضاهای زیر در مسکن روستایی در گذشته و حال به شرح زیر است:

گذشته: فضای اختصاصی دام با فراوانی ۱۱۰ و درصد ۶۱/۱ انبار علوفه با فراوانی ۱۲۰ و درصد ۶۶/۷ فضای مستقل آشپزخانه با فراوانی ۱۴۲ و درصد ۷۸/۹، آشپزخانهٔ این با فراوانی و درصد صفر، فضای اختصاصی خواب با فراوانی و درصد صفر، فضای جداگانه پذیرایی با فراوانی ۹ و درصد ۸/۵۷، محل پخت نان با فراوانی ۱۰ و درصد ۵/۵۵، محل ذخیره سوخت (نفت و ...) با فراوانی ۱۶۸ و درصد ۹۳/۳، و ایوان (رابط بین فضای باز و بسته) با فراوانی ۱۰۳ و درصد ۵۷/۲.

حال: فضای اختصاصی دام با فراوانی ۴۳ و درصد ۲۴، انبار علوفه با فراوانی ۳۸ و درصد ۲۱، فضای مستقل آشپزخانه با فراوانی ۲۵ و درصد ۱۴، آشپزخانهٔ این با فراوانی ۱۴۱ و درصد ۷۸/۷۷، فضای اختصاصی خواب با فراوانی ۱۴۵ و درصد ۸۱، فضای جداگانه پذیرایی با فراوانی ۱۶۳ و درصد ۹۱، محل پخت نان با فراوانی ۸ و درصد ۴/۴، محل ذخیره سوخت (نفت و ...) با فراوانی ۳ و درصد ۱/۷، ایوان (رابط بین فضای باز و بسته) با فراوانی ۹ و درصد ۵.

جدول ۴. وضعیت گذشته و حال مسکن روستاهای کوهپایه‌ای

مؤلفه	گذشته		حال	
	وجود	نبود	وجود	نبود
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
فضای اختصاصی دام	۱۱۰	۷۰	۴۳	۱۳۷
انبار علوفه	۱۲۰	۶۰	۳۸	۱۴۲
فضای مستقل آشپزخانه	۱۴۲	۳۸	۲۵	۱۵۵
آشپزخانهٔ این	۰	۱۸۰	۱۴۱	۳۹
فضای اختصاصی خواب	۱۰	۱۷۰	۱۴۵	۳۵
فضای جداگانه پذیرایی	۲۳	۱۵۷	۱۶۳	۱۷
محل پخت نان	۱۵۳	۲۷	۸	۱۷۲
محل ذخیره سوخت‌های فسیلی (نفت و ...)	۱۶۸	۱۲	۳	۱۷۷
ایوان (رابط بین فضای باز و بسته)	۱۰۳	۷۷	۹	۱۷۱

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

جدول ۵ نشان‌دهنده فراوانی پاسخ مثبت براساس دیدگاه ۱۸۰ پاسخگو در روستاهای کوهستانی است که نتایج آن به شرح زیر است:

گذشته: فضای اختصاصی دام با فراوانی ۱۵۳ و درصد ۸۵، انبار علوفه با فراوانی ۱۱۱ و درصد ۶۱/۷، فضای مستقل آشپزخانه با فراوانی ۱۳۶ و درصد ۷۵/۶، آشپزخانه این با فراوانی و درصد صفر، فضای اختصاصی خواب با فراوانی ۲۸ و درصد ۱۵/۶، فضای جداگانه پذیرایی با فراوانی ۶۰ و درصد ۳۳/۳، محل پخت نان با فراوانی ۱۵۲ و درصد ۸۴/۴، محل ذخیره سوخت (نفت و...) با فراوانی ۱۳۱ و درصد ۷۲/۸، ایوان (رابط بین فضای باز و بسته) با فراوانی ۱۵۰.

حال: فضای اختصاصی دام با فراوانی ۱۱۸ و درصد ۶۶، انبار علوفه با فراوانی ۶۲ و درصد ۳۴، فضای مستقل آشپزخانه با فراوانی ۱۳۵ و درصد ۷۵، آشپزخانه این با فراوانی ۴۵ و درصد ۲۵، فضای اختصاصی خواب با فراوانی ۱۶۲ و درصد ۹۰، فضای جداگانه پذیرایی با فراوانی ۱۶۴ و درصد ۹۱، محل پخت نان با فراوانی ۶۴ و درصد ۳۶، محل ذخیره سوخت (نفت و...) با فراوانی ۸۸ و درصد ۴۹، ایوان (رابط بین فضای باز و بسته) با فراوانی ۵۷ و درصد ۳۲.

جدول ۵. وضعیت گذشته و حال مسکن در روستاهای کوهستانی

مؤلفه	گذشته		حال	
	وجود	نبود	وجود	نبود
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
فضای اختصاصی دام	۸۵	۱۵۳	۶۶	۱۱۸
انبار علوفه	۶۱/۷	۱۱۱	۳۴	۶۲
فضای مستقل آشپزخانه	۷۵/۶	۱۳۶	۷۵	۱۳۵
آشپزخانه این	۰	۰	۲۵	۴۵
فضای اختصاصی خواب	۱۵/۶	۲۸	۹۰	۱۶۲
فضای جداگانه پذیرایی	۳۳/۳	۶۰	۹۱	۱۶۴
محل پخت نان	۸۴/۴	۱۵۲	۳۶	۶۴
محل ذخیره سوخت‌های فسیلی (نفت و...)	۷۲/۸	۱۳۱	۴۹	۸۸
ایوان (رابط بین فضای باز و بسته)	۸۳/۳	۱۵۰	۳۲	۵۷

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

براساس دیدگاه ۴۶۵ پاسخگو در ۳۱ روستا، فراوانی تغییرات مسکن روستایی در گذشته و حال به شرح زیر است:

گذشته: فضای اختصاصی دام با فراوانی ۳۵۸ و درصد ۷۶/۹۸، انبار علوفه با فراوانی ۳۱۶ و درصد ۶۷/۹۵، فضای مستقل آشپزخانه با فراوانی ۳۷۱ و درصد ۷۹/۷۸، فضای اختصاصی خواب با فراوانی ۴۴ و درصد ۹/۴۷، فضای جداگانه پذیرایی با فراوانی ۹۲ و درصد ۱۹/۷۸، محل پخت نان با فراوانی ۴۰۴ و درصد ۸۶/۸۸، محل ذخیره سوخت (نفت و...) با فراوانی ۳۹۲ و درصد ۸۴/۳، ایوان (رابط بین فضای باز و بسته) با فراوانی ۳۴۹ و درصد ۷۵/۰۵.

حال: فضای اختصاصی دام با فراوانی ۱۹۶ و درصد ۴۲/۱۵، انبار علوفه با فراوانی ۱۳۳ و درصد ۲۸/۶، فضای مستقل آشپزخانه با فراوانی ۱۸۵ و درصد ۳۹/۷۸، آشپزخانه این با فراوانی ۲۸۵ و درصد ۶۱/۲۹، فضای اختصاصی خواب با فراوانی ۳۸۸ و درصد ۸۳/۴۴، فضای جداگانه پذیرایی با فراوانی ۴۱۶ و درصد ۸۹/۴۶، محل پخت نان با فراوانی ۷۴ و درصد ۱۵/۹۱، محل ذخیره سوخت (نفت و...) با فراوانی ۹۱ و درصد ۱۹/۵۶، ایوان (رابط بین فضای باز و بسته) با فراوانی ۷۳ و درصد ۱۵/۵۹.

جدول ۶. وضعیت گذشته و حال مسکن ۳۱ روستای مورد مطالعه

مؤلفه	گذشته		حال	
	وجود	نبود	وجود	نبود
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
فضای اختصاصی دام	۷۶/۹۸	۱۰۷	۴۲/۱۵	۲۶۹
انبار علوفه	۶۷/۹۵	۱۴۹	۲۸/۶	۳۳۲
فضای مستقل آشپزخانه	۷۹/۷۸	۹۴	۳۹/۷۸	۲۸۰
آشپزخانهٔ این	۰	۴۶۵	۶۱/۲۹	۱۸۰
فضای اختصاصی خواب	۹/۴۷	۴۲۱	۸۳/۴۴	۷۷
فضای جداگانه پذیرایی	۱۹/۷۸	۳۷۳	۸۹/۴۶	۴۹
محل پخت نان	۸۶/۸۸	۶۱	۱۳/۱۱	۳۹۱
محل ذخیره سوخت‌های فسیلی (نفت و...)	۸۴/۳	۷۳	۱۹/۵۶	۲۶۹
ایوان (رابط بین فضای باز و بسته)	۷۵/۰۵	۱۱۶	۱۵/۶۹	۳۹۲

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

جدول ۷، وضعیت مسکن را در سه تیپ روستا در گذشته و حال نشان می‌دهد. براین اساس، وضعیت مسکن به شرح زیر است:

گذشته: بیشترین درصد برخورداری از فضای دام در روستاهای جلگه‌ای و کمترین در روستاهای کوهپایه‌ای، بیشترین درصد برخورداری از انبار علوفه در روستاهای جلگه‌ای و کمترین در روستاهای کوهپایه‌ای، بیشترین فضای مستقل آشپزخانه در روستاهای جلگه‌ای و کمترین در روستاهای کوهستانی است. در گذشته در هیچ‌یک از مسکن‌های سه تیپ، آشپزخانهٔ این موجود نبوده است.

بیشترین فضای اختصاصی خواب در روستاهای کوهستانی و کمترین در روستاهای کوهپایه‌ای، بیشترین فضای جداگانه پذیرایی در روستاهای کوهستانی و کمترین در روستاهای کوهپایه‌ای، بیشترین درصد برخورداری از محل پخت نان در روستاهای جلگه‌ای و کمترین در روستاهای کوهستانی، بیشترین درصد برخورداری از محل ذخیره سوخت‌های فسیلی (نفت و...) در روستاهای کوهپایه‌ای و کمترین در روستاهای کوهستانی، بیشترین ایوان (رابط بین فضای باز و بسته) در روستاهای جلگه‌ای و کمترین در روستاهای کوهپایه‌ای.

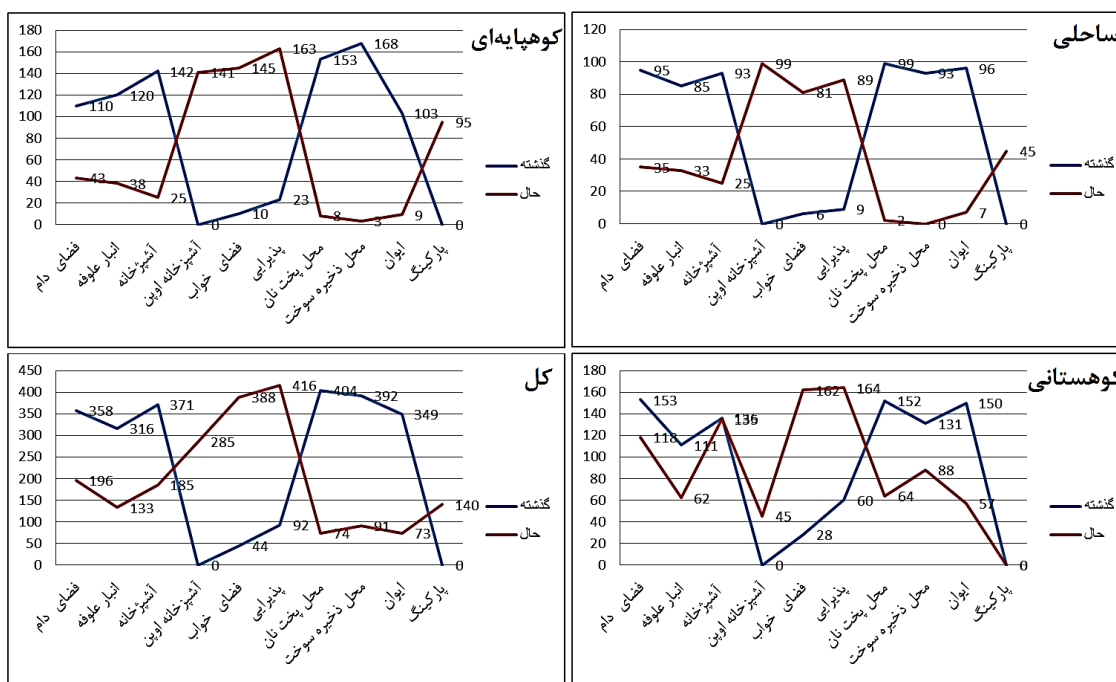
حال: بیشترین درصد برخورداری از فضای دام در روستاهای کوهستانی و کمترین در روستاهای کوهپایه‌ای، بیشترین درصد برخورداری از انبار علوفه در روستاهای کوهستانی و کمترین در روستاهای کوهپایه‌ای، بیشترین فضای مستقل آشپزخانه در روستاهای کوهستانی و کمترین در روستاهای کوهپایه‌ای، بیشترین آشپزخانهٔ این در روستاهای جلگه‌ای و کمترین در روستاهای کوهستانی، بیشترین فضای اختصاصی خواب در روستاهای کوهستانی و کمترین در روستاهای جلگه‌ای، بیشترین فضای جداگانه پذیرایی در روستاهای کوهستانی و کوهپایه‌ای و کمترین در روستاهای جلگه‌ای، بیشترین درصد برخورداری از محل پخت نان در روستاهای کوهستانی و کمترین در روستاهای جلگه‌ای، بیشترین درصد برخورداری از محل ذخیره سوخت‌های فسیلی (نفت و...) در روستاهای کوهستانی و کمترین در روستاهای جلگه‌ای، بیشترین ایوان (رابط بین فضای باز و بسته) در روستاهای کوهستانی و کمترین در روستاهای کوهپایه‌ای.

جدول ۷. مقایسه تغییرات مسکن در سه تیپ

مؤلفه	جلگه‌ای		کوهپایه‌ای		کوهستانی	
	گذشته	حال	گذشته	حال	گذشته	حال
فضای اختصاصی دام	۵/۹۰	۳۳	۶۱/۱	۲۴	۸۵	۶۶
انبار علوفه	۸۱	۳۱	۶۶/۷	۲۱	۶۱/۷	۳۴
فضای مستقل آشپزخانه	۸۸/۶	۲۴	۷۸/۹	۱۴	۷۵/۶	۷۵
آشپزخانهٔ اپن	۰	۹۴/۲۸	۰	۷۸/۷۷	۰	۲۵
فضای اختصاصی خواب	۵/۷۱	۷۷	۵/۵۵	۸۱	۱۵/۶	۹۰
فضای جداگانه پذیرایی	۸/۵۷	۸۵	۱۲/۸	۹۱	۳۳/۳	۹۱
محل پخت نان	۹۴/۳	۱/۹	۸۵	۴/۴	۸۴/۴	۳۶
محل ذخیره سوخت‌های فسیلی (نفت و ...)	۸۸/۶	۰	۳/۹۳	۱/۷	۷۲/۸	۴۹
ایوان (رابط بین فضای باز و بسته)	۹۱/۴	۶/۷	۵۷/۲	۵	۸۳/۳	۳۲

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

در شکل ۴، تغییرات مسکن در روستاها براساس فراوانی وجود فضاها در گذشته و حال نشان داده شده است که نشان می‌دهد تغییرات در این روستاها زیاد بوده است؛ به‌ویژه تغییرات در طراحی داخلی خانه اعم از آشپزخانهٔ اپن، اتاق خواب و پذیرایی که در گذشته در خانه‌های روستایی کمتر وجود داشته است، اما امروزه در همهٔ خانه‌ها وجود دارد. توسعهٔ کالبدی و خدماتی روستاها و سیاست‌ها و تصمیمات نادرست دولت، به خروج دام از روستا منجر شده است. همین امر دلیل بی‌نیازی از فضای پخت نان، محل نگهداشت سوخت و نگهداری دام در روستاهاست. همچنین از آنجا که روستاهای جلگه‌ای و کوهپایه‌ای در مازندران، فاصلهٔ چندانی با شهر ندارند، و به‌دلیل حضور گردشگران انبوه در مازندران و ساختن خانه‌های دوم توسط آنان در این روستاها، شدت تغییرات زیاد است.



شکل ۴. تغییرات مسکن روستاها براساس تیپ (جلگه‌ای، کوهپایه‌ای، کوهستانی)

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

براساس شکل ۴، به دو دلیل، تغییرات در روستاهای کوهستانی زیاد نبوده است. نخست اینکه این گونه روستاها متکی به اقتصاد دامداری هستند و در آن‌ها مسکن افراد باید با اقتصاد دامداری سازگاری داشته باشد. دوم اینکه به دلیل فاصله زیاد با شهر، نفوذ الگوی مسکن شهری در روستاهای کوهستانی، به مراتب کمتر از روستاهای جلگه‌ای و کوهپایه‌ای است. شکل ۴ تغییرات را در همه ۳۱ روستا نشان می‌دهد. این شکل نشانگر فراوانی گسترده تغییرات در کل روستاهاست و نشان می‌دهد که مسکن در روستاهای استان مازندران، طی سال‌ها با تغییرات زیادی مواجه بوده است. این تغییرات، با تأثیرپذیری از توسعه کالبدی و خدماتی روستاها، تغییر اقتصاد خانوار و به‌ویژه تحت تأثیر نفوذ فرهنگ و الگوی مسکن شهری به‌وقوع پیوسته است.

نتیجه‌گیری

در قرون متمادی و تحت تأثیر شرایط، مسکن‌های روستایی متفاوت در مناطق مشابه، براساس اصول و مفاهیم متعددی شکل گرفته است. معماری خانه‌ها به‌گونه‌ای است که نیازها و توقعات روستاییان را برآورده کرده است (خسرونی، ۱۳۸۸: ۳۳). مسکن روستایی به‌عنوان عنصری مادی و فرهنگی، در سال‌های اخیر، دگرگونی‌های وسیعی یافته و علاوه بر داشتن کارکرد سکونت، به‌عنوان بخشی از فضای اشتغال، تولید و انبار ملزومات زندگی روستاییان مطرح بوده است. این امر از نقش سکونت و شیوه زیست، کیفیت استفاده از محیط، اقتصاد حاکم در روستا، و سنت‌ها و هنرهای پنهان و آشکار روستایی نشئت می‌گیرد؛ بنابراین، تغییرات فرهنگی و آثار آن بر الگوی مسکن روستایی، به فروپاشی الگوی سنتی مسکن منجر می‌شود که منطبق با شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاست (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۸). در دهه‌های اخیر، در ساختار و کارکرد مسکن روستایی، تغییرات شگرفی پدید آمده است؛ چنانکه کارکرد مسکن که جایگاه معیشت و فعالیت اقتصادی خانواده بوده، از بین رفته است و دیگر پاسخگوی نیاز جامعه روستایی نیست (موسوی و صالحی، ۱۳۸۴: ۲۸). نتایج پژوهش‌هایی که در زمینه مسکن روستایی انجام شده‌اند، به شرح زیر است: در پژوهش خاکپور و شیخ‌مهدی (۱۳۹۰)، موقعیت قرارگیری انبارها، حیوانات اهلی و همه اجزای واحد مسکونی از فرهنگ تأثیر می‌پذیرد؛ استفاده از الگوی معماری غیربومی که برگرفته از الگوهای معماری شهری است.

براساس پژوهش سعیدی و امینی (۱۳۸۹)، جابه‌جایی روستایی-شهری و رهاماندن برخی واحدها در روستاها، موجب تحول کارکردی در بهره‌گیری از فضاهای درونی خانه‌ها شده است. براساس نتایج توکلی و دیگران (۱۳۸۸)، امروزه خانه‌هایی که در روستاها احداث می‌شوند، در مقایسه با گذشته تحولات کارکردی عمیقی یافته‌اند. همچنین مسکن‌های سنتی و بومی از بین رفته‌اند و جای خود را به مسکن‌هایی با طرح و نقشه‌های جامعه شهری داده‌اند. اهمیت وجود ایوان در خانه‌های جدید کم‌رنگ شده و خانه‌های جدید در مقابل خانه‌های تخریب‌شده و سنتی قرار گرفته‌اند.

در مجموع، نتایج این پژوهش‌ها نشانگر تغییر مسکن سنتی در روستاهاست. نتایج پژوهش حاضر، همسو با نتایج تحقیقات پیشین، و حاکی از ایجاد همان تغییرات در روستاهای مورد مطالعه است. براساس نتایج، تغییرات ایجادشده در مسکن روستاهای مورد مطالعه از دو جنبه اهمیت دارد:

۱. تغییرات در کارکرد اقتصادی مسکن که شامل فضای اختصاصی دام، انبار علوفه، محل پخت نان، محل ذخیره سوخت‌های فسیلی (نفت و...) است. در گذشته مسکن روستایی کاملاً متناسب با اقتصاد خانوار بود و در طراحی آن، فضاهای مورد نیاز برای فعالیت اقتصادی مدنظر قرار می‌گرفت. با توجه به اینکه اقتصاد غالب روستاهای استان مازندران در گذشته به کشاورزی و دامداری وابسته بود، فضاهای مناسب برای نگهداشت ابزارها و محصولات کشاورزی و دامی، مانند طویله برای نگهداری دام، و انبار برای ذخیره کاه و علوفه وجود داشت، اما امروزه با کم‌رنگ شدن کشاورزی و مکانیزه شدن فرایند آن، کمتر به فضای خاص برای کشاورزی نیاز است. از سوی دیگر، به دلیل تصمیمات نادرست

مسئولان، دام از اقتصاد خانوار روستایی کنار گذاشته شده است. نتیجه این دو امر، کاهش نیاز به فضای اقتصادی است. در گذشته به دلیل نبود نانوائی در روستاها، خانوارها خود به تهیه آرد و پخت نان می‌پرداختند و در ساخت مسکن، فضایی به ایجاد تنور برای پخت نان اختصاص می‌یافت، اما امروزه در راستای توسعه کالبدی و خدماتی روستاها، در هر روستا نانوائی وجود دارد و دیگر نیازی نیست که خود روستاییان به پخت نان اقدام کنند. از دیگر فضاهای موجود در روستاها، محل نگهداشت و ذخیره انواع سوخت بود. در گذشته به دلیل نبود نفت در روستاها، برای پخت غذا و گرمایش خانه از چوب استفاده می‌شد، اما به مرور زمان نفت در روستاها عرضه شد. بدین ترتیب، فضاهایی به ذخیره و نگهداری چوب و نفت اختصاص می‌یافت. امروزه به دلیل اینکه بیشتر روستاها از گاز (سیلندر یا لوله‌کشی) بهره‌مندند، دیگر به وجود این فضاها برای سوخت نیازی نیست.

۲. تغییرات در کارکرد اجتماعی مسکن شامل فضای مستقل آشپزخانه، آشپزخانه این، فضای خواب، فضای جداگانه پذیرایی و ایوان (رابط بین فضای باز و بسته) است. در گذشته در خانه‌های روستایی، مکان خاصی برای پخت غذا در نظر گرفته می‌شد که به دو دلیل بیرون از خانه قرار داشت. نخست اینکه به دلیل نبود نفت و گاز، برای پختن غذا از هیزم استفاده می‌شد. بدین ترتیب، فضایی در بیرون از خانه به عنوان آشپزخانه ساخته می‌شد تا دود در خانه منتشر نشود. دلیل دوم آن، منتشرنشدن بوی غذا در خانه هنگام آشپزی بود، اما اکنون به دلیل وجود گاز و رفع محدودیت‌های گذشته (دستگاه تهویه)، فضای آشپزی به درون خانه منتقل شده است. امروزه تحت تأثیر فرهنگ شهری برگرفته از الگوی مسکن غربی، آشپزخانه این جایگزین آشپزخانه بسته شده است که هیچ تناسبی با فرهنگ ایران، به‌ویژه با روستاهای مازندران ندارد. در گذشته به دلیل مشکلات اقتصادی و فرهنگ روستاها، تعداد اتاق‌های خواب محدود بود، اما امروزه به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان و تغییر نگرش والدین و کودکان برای داشتن فضای خصوصی، اتاق خواب اختصاصی در نظر گرفته شده است. همچنین از دیگر تغییرات ایجادشده، در نظر گرفتن فضای خاص برای پذیرایی از مهمانان است؛ در صورتی که در گذشته، از فضای عمومی خانه برای پذیرایی استفاده می‌شد. یکی دیگر از فضاهایی که در گذشته در خانه‌های روستایی مازندران وجود داشت، ایوان بود که در روابط اجتماعی محلی، نقش مهمی ایفا می‌کرد؛ فضایی برای دورهم‌نشستن در فصول گرم سال که امروزه به دلیل کاهش روابط روستاییان، کمتر از آن استفاده می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت که تغییرات در مسکن روستاهای مورد مطالعه، در نتیجه تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی در روستاها به وجود آمده است. این تغییرات در فضاهای زیر رخ داده است: فضای اختصاصی دام، انبار علوفه، محل پخت نان، محل ذخیره سوخت‌های فسیلی (نفت و...)، فضای مستقل آشپزخانه، آشپزخانه این، فضای اختصاصی خواب، فضای جداگانه پذیرایی و ایوان (رابط بین فضای باز و بسته). این تغییرات به دنبال توسعه کالبدی و خدماتی روستاها و رواج فرهنگ شهری در آن‌ها به وقوع پیوسته و در نهایت به تغییر کارکرد اقتصادی و اجتماعی مسکن روستایی منجر شده است.

منابع

۱. آسایش، حسین، ۱۳۷۵، *سنجش کیفیت زندگی*، مجله مسکن و انقلاب اسلامی، سال ۴، شماره ۷۶ و ۷۷، صص ۳-۱۴.
۲. امان‌اللهی، سکندر، ۱۳۶۲، *نظام اجتماعی-سیاسی ایل بهاروند و تغییر و تحول آن*، انتشارات آگاه، تهران.
۳. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان آذربایجان غربی، ۱۳۸۶، *طرح گونه‌شناسی مسکن روستای استان آذربایجان غربی*، دفتر اول، ارومیه.
۴. پورطاهری، مهدی، ۱۳۸۲، *توزیع جغرافیایی محصولات فرهنگی و نقش آن در مهاجرت جوانان روستایی*، مطالعه موردی: استان قزوین، پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳، شماره ۴۶، صص ۸۷-۹۷.

۵. پورطاهری، مهدی، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و منصوره نیکبخت، ۱۳۹۰، اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی (نمونه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان قزوین)، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۳۵، صص ۱۱۵-۱۳۴.
۶. توکلی، مرتضی و دیگران، ۱۳۸۸، بررسی تحول معماری مسکن روستایی و تدوین الگوی بهینه مطالعه موردی: شهرستان آق‌قلا، مسکن و محیط روستا، سال ۲۸، شماره ۱۲۷، صص ۱۴-۳۱.
۷. خاکپور، مژگان و علی شیخ‌مهدی، ۱۳۹۰، بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان، مدیریت شهری، سال ۹، شماره ۲۷، صص ۲۲۹-۲۴۶.
۸. خسرونی، مرتضی، ۱۳۸۸، ارزیابی رویکردهای مختلف پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال ۲۸، شماره ۱۲۷، صص ۳۲-۴۴.
۹. رمضان‌نژاد، یاسر، استحکام، حسن و علی پورقیومی، ۱۳۹۴، معماری و شهرسازی ایران، اولین همایش علمی-پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، تهران، ۲۶-۲۷ مرداد.
۱۰. زنده، مهدی و پدram حساری، ۱۳۹۱، تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال ۳۱، شماره ۱۳۸، صص ۶۳-۷۲.
۱۱. سعیدی، عباس و فریبا امینی، ۱۳۸۹، بررسی ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی، مورد مطالعه: روستای خفر (ناحیه نطنز- بادرود)، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، سال ۸، شماره ۲۷، صص ۲۹-۴۳.
۱۲. شکوئی، حسین، ۱۳۵۵، حاشیه‌نشینی شهری، خانه‌های ارزان‌قیمت و سیاست مسکن، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز.
۱۳. _____، ۱۳۸۹، فلسفه جغرافیا، چاپ پانزدهم، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
۱۴. _____، ۱۳۸۹، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ دوازدهم، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
۱۵. مرادی، گیتی، ۱۳۹۴، شناخت و اولویت‌بندی الگوهای صحیح مسکن روستایی در توسعه پایدار معماری روستا با استفاده از تکنیک‌های MADM شهرستان ماسال، مدیریت شهری، سال ۱۴، شماره ۴۰، صص ۳۸۱-۳۹۵.
۱۶. مهدیان، عزیزالله و محسن سرتیبی‌پور، ۱۳۹۱، مروری بر تحولات بهسازی مسکن روستایی و چشم‌انداز آتی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال ۳۱، شماره ۱۴۰، صص ۳-۱۲.
۱۷. موسوی، اعظم و فرحناز صالحی، ۱۳۸۴، بررسی ابعاد اجتماعی الگوی سنتی و جدید مسکن روستایی، فصلنامه مسکن و انقلاب، سال ۱۲، شماره ۱۱۲، صص ۲۸-۴۳.
۱۸. نوربرگ شولتز، کریستیان، ۱۳۸۴، مفهوم سکونت: به‌سوی معماری تمثیلی، ترجمه امیر یاراحدی، نشر آگه، تهران.
۱۹. هدایت‌نژاد، محمود، ۱۳۷۵، اجاره‌نشینی، عوارض روانی-اجتماعی و راه‌حل‌ها، مجموعه مقالات سومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد دوم، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
20. Asayesh, H., 1996, **Life Quality Measurement**, Journal of Housing and Islamic Revolution, Vol. 4, No. 76-77, PP. 3-14.
21. Amanollahi, S., 1983, **Social-Political System of Baharvand Tribe and Its Evolutions**, Ahah, Tehran.
22. Housing Foundation of Western Azerbaijan, 2007, **Housing Typology of Western Azerbijean**, Vol. 1, Urumia.
23. Poortaher, M., 2003, **Geographical Distribution of Cultural Products and Its Role on the Migration in Rural Youth, Case Study: Qazvin Province**, Journal of Geographical Researches, Vol. 3, No. 46. PP. 87-97
24. Pourtaheri, M., Rokneddin Eftekhari, A. R., and Nikbakht, M., 2011, **Effects of Cultural Changes on Rural Housing Patterns (Case Study: Central Region of Qazvin County)**, Journal of Geographic Space, Vol. 11, No. 35, PP. 115-134.

25. Tavakoli, M. et al., 2009, **Analyzing Evolution of Rural Houses and Developing Optimal Pattern, Case Study: Agh-Ghala County**, Rural Housing and Environment, Vol. 28, No. 127, PP. 14–31.
26. Khakpoor, M., and Sheikh Mahdi, A., 2011, **Analyzing the Role of Culture and Social Changes on Rural Housing in Gilan Province**, Urban Management, Vol. 9, No. 27, PP. 229–246.
27. Khosrownia, M., 2009, **Analyzing Various Approaches to Forming Rural Housing**, Journal of Rural Housing and Environment, Vol. 28, No. 127, PP. 32-44
28. Ramezan-Nejad, Y., Estehkam, H., Poorghyumi, A., 2015, **Iranian Architecture and Urbanism**, First Scientific-Research Conference on New Horizons of Geography and Planning, Scientific Society for the Development and Promotion of Basic Sciences, Tehran, August 26_27.
29. Zandieh, M., and Hesari, P., 2012, **Persistence of Rural Housing Architecture in Order for Rural Sustainable Development**, Journal of Rural Housing and Environment, Vol. 31, No. 138, PP. 63–72.
30. Saeedi, A., and Amini, F., 2010, **Analyzing Residence Instability and Functional Evolution of Rural Housing, Case Study: Khafar Village (Natanz-Badrud Region)**, Scientific-Research Journal of Iranian Community of Geography, Vol. 8, No. 27, PP. 29–43.
31. Shakuei, H., 1976, **Urban Marginalization, Cheap Houses and Housing Policies**, University of Tabriz, Tabriz.
32. Shakuei, H., 2010, **Philosophy of Geography**, 15th Edition, Gitashenasi Publishing, Tehran.
33. Shakuei, H., 2010, **New Ideas in Philosophy of Geography**, Vol. 1, 12th Edition, Gitashenasi Publishing, Tehran.
34. Moradi, G., 2015, **Recognition and Prioritizing Valid Patterns of Rural Housing in Sustainable Development of Rural Architecture By Use of MADM Techniques in Masal Cuonty**, Urban Management, Vol. 14, No. 40, PP. 381–395.
35. Mahdian, A., and Sartipipoor, M., 2012, **A Review of Rural Housing Improvement Evolutions and Future Perspective**, Journal of Rural Housing and Environment, Vol. 31, No. 140, PP. 3–12.
36. Musavi, A., and Salehi, F., 2005, **Analyzing Social Dimensions of Traditional and New Housing Patterns**, Journal of Housing and Islamic Revolution, Vol. 12, No. 112, PP. 28-43.
37. Norberg-Schultz, C., 2005, **Residence Concept: Into the Figurative Architecture**, Translated by: Yarahmadi, A., Agah Publishing, Tehran.
38. Hedayat-Nejad, M., 1996, **Tenantry, Pshyco-Social Consequences and Solutions**, Paper Series of 3rd Seminar of Housing Development in Iran, 2nd Volume, Ministry of Housing and Urban Development Publishing, Tehran.
39. Rangwala, S. C., 1998, **Town Planning Character**, Publishing House, India.
40. Short, J. R., 2006, **Urban Theory Acritical Assessment**, Routledge, Newyork.
41. Sendich, B., 2006, **Planning and Urban Standard**, Routledge, New Jersy.
42. Westaway, M. S., 2006, **A Longitudinal Investigation of Satisfaction with Personal and Environmental Quality of Life in an Informal South African Housing Settlement**, Journal of Habitat International, Vol. 30, No. 1, PP. 175–189.
43. Bourne, L. S., 1981, **A Geography of Housing**, Black well Publishing, New York.